



www.sharghdaily.ir

یکشنبه ۹ آبان ۱۴۰۰ • ۲۴ ربیع‌الاول ۱۴۴۳ • ۳۱ اکتبر ۲۰۲۱  
سال نوزدهم • شماره ۴۱۳۱ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۱:۴۸ • اذان مغرب ۱۷:۲۹  
اذان صبح فردا ۵:۰۱ • طلوع آفتاب ۶:۲۶

fordashargh@gmail.com

روزنامه‌فرو



نور نوشت



زمین سبز

## قدم‌زدن پشت سد

سدی در استان پرمسافری چون خراسان رضوی، تصور کنید این خشک‌سالی چگونه می‌تواند مرکز استان و شهری چون مشهد را زمین‌گیر کند. حالا یک سؤال مهم: چرا در کشوری خشک و نیمه‌بیابانی چون ایران که سال‌هاست دچار بحران خشک‌سالی است و بلوچستان بیش از دو دهه است که خشک‌سالی به طور جدی کشاورزی و دامداری را رو به ویرانی کشانده، هنوز کشاورزی‌های آب‌بر دایر و برپاست؟ تگاهی به سیاست‌های کلان در دوره پیش از انقلاب نشان می‌دهد، حتی در آن زمان که نه با بحران بی‌آبی روبه‌رو بوده‌ایم و نه جمعیت به اندازه الان بوده است؛ نگرانی‌های قابل تأملی نسبت به برنامه‌های آبی در ایران وجود داشته و حتی کارشناسان خارجی نیز در این خصوص هشدارهای جدی درباره آینده ایران داده بودند. وقایع پیش‌آمده در خوزستان، اصفهان، یزد و استان‌های دیگر هشدار بزرگی است برای جلوگیری از جدال آب و البته لزوم برخورد جدی با مافیای آب. به نظر می‌رسد واردات بخشی از محصولات کشاورزی که کشت آنها نیازمند آبی زیاد است، می‌تواند به بازیابی و ادامه حیات چرخه آب کشور در مخازن طبیعی چون چاه‌ها، قنات‌ها و سایر سفره‌های زیرزمینی کمکی مؤثر باشد. همچنین تعطیلی صنایع آب‌بر در استان‌های بی‌آب یا کم‌آب و البته جلوگیری از انتقال آب از استانی به استان دیگر که جز فاجعه زیست‌محیطی و تخریب طبیعت هیچ نتیجه دیگری نداشته است.

مشاهده سد فریمان در استان خراسان رضوی است که

از جمله پرآب‌ترین سدهای کشور بوده است. شهری خوش آب و هوا با چشمه‌های متعدد و کشاورزی فعال و پویا. درست در همین لحظه که مشغول خواندن این یادداشت هستید، می‌توانید در سد فریمان که اکنون کاملاً خشک است، قدم بزنید و قایق‌های به‌گل‌نسته‌ای را مشاهده کنید که زمانی نه چندان دور، مسافران خوشحال را در آب آبنوه پشت سد به گردش می‌بردند. حال بیابید این موضوع را از منظری دیگر نگاه کنیم. اجازه دهید مثال ما گماکان سد فریمان باشد.

### زیر آسمان جهان

درد جایگاهی قرار دارد که ما شروع به کار در شبکه‌های اجتماعی کردیم.» پیش‌ازاین گزارش‌ها از احتمال چنین تغییر نامی خبر داده بودند؛ چراکه فیس‌بوک به طور ویژه روی متاورس تمرکز کرده و از سرمایه‌گذاری ۱۰ میلیارد دلاری در حوزه واقعیت مجازی و افزوده خبر داده. این کمپانی همچنین به دنبال جذب ۱۰ هزار نیرو در اتحادیه اروپا برای کار روی چنین پروژه‌ای است؛ بنابراین چنین تغییر نامی چندان تعجب‌برانگیز نیست. با اعلام این خبر، ارزش سهام متا یا همان فیس‌بوک رشد سده‌درصدی را تجربه کرد.

**اوریج‌کانتری جیستر**: داکلاس والک، نویسنده آمریکایی که همه ۵۴۰ هزار صفحه کتاب‌های مارول را خوانده است، کتابی درباره مارول با عنوان «همه مارول‌ها» نوشت. این کتاب درباره تمام کتاب‌های مارول است که حداقل سال‌های ۱۹۶۱ تا ۲۰۱۷ نوشته شده است. والک البته درباره تجربه خواندن همه آثار مارول می‌گوید: این کار را در خانه امتحان نکنید!



زهرا نژادبهرام

موضوع نژدن واکسن یک پدیده رایج است یک موج جهانی است که عده‌ای در برابر زدن واکسن مقاومت می‌کنند. آنها باور دارند هر نوع واکسناسیونی یک رفتار غیرمتعارف در واکنش به فرایند طبیعی بدن است. این گروه همیشه به دولت‌ها مشکوک بودند و گمان می‌کنند دولت‌ها به این طریق می‌خواهند آنها را کنترل کنند. این گروه مخالفان همیشه ادبیات خاصی برای مخالفت خودشان بیان می‌کنند. تا اینجا کار با گروهی اندک و سرسخت در برابر واکسناسیون روبه‌رو هستیم که در سرتاسر دنیا هم وجود دارند. تجربه یک سال واکسناسیون عمومی کرونا در دنیا نشان داد که دولت‌ها باید برای این گروه اندک هم مشقوق‌های خوبی در نظر بگیرند تا آنها را برای زدن واکسن ترغیب کنند. حتی سیاست‌های تنبیهی هم در نظر گرفته شده است. از جایزه دلاری برای زدن واکسن در ایالت‌های آمریکا تا کیوارکدهایی که در اروپا برای شهروندان تدارک دیده شده و افراد واکسناسیون‌نشده را از بسیاری از خدمات محروم می‌کند. همین چند وقت پیش بود که دیدیم رئیس‌جمهور ضد واکسن برزیل از ورود به ورزشگاه فوتبالی در کشور خودش منع شده بود. در ایران هم دیدیم سیاست‌های این‌چنینی وضع شده است. البته بیشتر در

زمینه اقدامات تنبیهی از قبیل محروم‌کردن از خدمات. برای نمونه اعلام شده که در صورت بازگشایی دانشگاه‌ها دانشجویانی که واکسن نژده‌اند از ورود به خوابگاه‌ها منع می‌شوند. یا در ادارات دولتی هم کارمندان دولتی که واکسن نژده‌اند از حضور در محل کار منع شده‌اند.

تا اینجا کار ما در یک مسیر با مدل‌های جهانی پیش رفته‌ایم. باین‌حال مدل جریان واکسناسیون در ایران با برخی نقاط دنیا تفاوت‌هایی هم دارد. از جمله اینکه ما با محدودیت در منابع واکسن مواجه بودیم. خوشبختانه در چهار، پنج ماه گذشته فرایند ارائه و توزیع واکسن زیاد شده است؛ اما با وجود این سرازیرشدن واکسن همچنان عدد قابل توجهی از شهروندان ما واکسن نژده‌اند. بخشی از این داستان شاید مشکلات سخت‌افزاری باشد که دسترسی شهروندان به واکسن را سخت کرده اما بخش بزرگ‌تری از این ماجرا به عدم تمایل شهروندان به تزریق واکسن برمی‌گردد. در واقع به این معنی که تا اینجا کار با تأمین واکسن، بخش بزرگ مشتاق واکسن به خواسته خود رسیده‌اند و واکسناسیون انجام شده اما بخش بزرگ دیگر از زن واکسن امتناع کرده‌اند. این مسئله برخاسته از بی‌اعتمادی موجود به جریان واکسناسیون است. تنها راه مقابله با این مسئله ایجاد ظرفیت جدید برای واکسناسیون است. ایران یک کشور دینی و مذهبی است و وقت آن است که از این پتانسیل برای ترغیب هرچه بیشتر مردم به واکسناسیون استفاده کنیم. پتانسیل انمه جامعه، مراجع تقلید و تریبون‌های مذهبی می‌تواند به ترغیب‌کردن گروه مخالف واکسن کمک کند. به‌رحال

تولد دیگر

## دانشجوی ساکن اتاق ۸۰۵

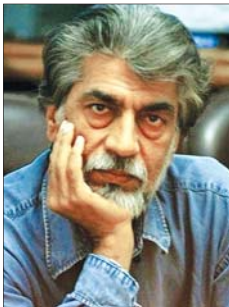
به کسی خیره نمی‌شد، او ساکن اتاق «۸۰۵» بود. اتفاقی در طبقه هشت که پنجره‌ای رو به خیابان داشت.

اتاق ۸۰۵، اتفاقی خاص بود. اتفاقی که در آن شاعران، نویسندگان و کلا هنرمندان جوان و نوییای انقلاب رفت‌وآمد داشتند. اغلب‌شان هم از «حوزه اندیشه و هنر اسلامی» که تازه شکل گرفته بود. یک شب «حسام‌الدین سراج» جوان به اتاق می‌آمد و تا صبح بی‌هیچ همراهی

سازی، در دستگاه ماهور دوبیتی‌های انقلابی همین شاعران را می‌خواند. شبی دیگر «نصرت‌الله مردانی» می‌آمد یا «اسرافیلی» یا «براتی‌پور» یا «برویز بیگی» یا «علیرضا امیری‌وحید» یا «سیدحسن حسینی» که تا صبح بیدار می‌ماندند و شعرخوانی می‌کردند. چراغ اتاق «۸۰۵» همیشه تا صبح روشن بود. محفل شعر برپا بود و میزبان خونگرم خوزستانی همواره پذیرای مهمانانانی بر تعداد بود. ساکنان خوابگاه همه این ویژگی‌ها و را می‌دانستند؛ هرچند این ویژگی‌ها با مقررات خوابگاه سازگار نبود! ساکن اتاق ۸۰۵ خود شاعر بود. شاعر نویایی که دوبیتی‌هایی بدیع می‌سرود و در صنعت ادبی برای خود تجربه‌آزمایی می‌کرد. او پیش از اینکه دانشجوی جامعه‌شناسی دانشگاه تهران باشد، دانشجوی دامپزشکی همک دانشگاه بود. دانشجویی که رشته‌اش را به شوق «شریعتی» شدن وانهاد و به دانشکده علوم اجتماعی رفت تا به آرمان ایدئولوژیک خود نزدیک‌تر شود. هرچند این آرمان در سال‌های بعد رنگ باخت و دیگر جز نشانی محسو از آن چیزی باقی نماند؛ اما علاقه به فروش می‌رسید. دک‌هایی با فاصله اندک، در کنار هم که سرودهای انقلابی گروه‌های سیاسی خود را برای رهگذران پخش می‌کردند و علاوه بر نشریات گروه‌ها، اعلامیه‌ها و نوارهای انقلابی گروه‌ها را هم عرضه می‌کردند. شهر پر بود از سرود، از کتاب، از نشریه و شعرهایی که مدام شنیده می‌شد. در چنین شرایطی، گروه‌هایی از همین دانشجویان شهرستانی، اقدام به تصرف چند ساختمان کردند تا از آن به‌عنوان خوابگاه استفاده کنند. یکی از ساختمان‌ها در خیابان دمشق بود. ساختمانی ۱۰طبقه که پس از تصرف، به خوابگاه دانشجویان پیرو خط امام معروف شد. بیشترین تعداد دانشجویان این خوابگاه‌ها دانشجویان پلی‌تکنیک تشکیل می‌دادند. جز تعداد اندکی دانشجویان دانشگاه تهران یا ملی که درآن‌میان یک نفر بیش از دیگران به چشم می‌آمد. دانشجویی خوزستانی، سبزه‌رو، با موهایی صاف و پرپشت، با چشمان درشت و نجیبی که هیچ‌گاه

# حل معادله مخالفان واکسن

این‌بار مسئله را فراموش کنیم که تنها راه بازگشت به زندگی طبیعی و رونق‌گرفتن کسب‌وکارها یا واکسناسیون گسترده است. چیزی که هنوز ما با نرم طبیعی آن فاصله زیادی داریم. در شرایطی به سر می‌بریم‌که زندگی مردم با بحران‌های اقتصادی فراوانی دست و پنجه نرم می‌کند و بحران کووید هم شرایط اقتصادی را بدتر کرده است. برای همین هم بهتر است هرچه‌زودتر برای اینکه اندکی از این فشار را روی مردم کم کنیم از این فرصت‌ها برای ترغیب مردم به واکسناسیون استفاده کنیم. اطلاع‌رسانی دقیق و درست درباره واکسناسیون هم می‌تواند از ترس این گروه از مردم کم کند. پیش‌تر در واکسناسیون‌های دیگر در ایران هم با این بحران‌ها مواجه بودیم و می‌بینم‌که از همین ترزند آگاهی‌بخشی برای ایجاد اعتماد و بالا بردن میزان واکسناسیون استفاده کردند. به‌رحال ما باید به سمت واکسناسیون ۸۵ درصد حرکت کنیم و از رکود فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی خارج شویم. برای همین بالا بردن میزان واکسناسیون باید یک سیاست مهم در دولت‌ها باشد. درحال‌حاضر به نظر می‌رسد از یک تزریق واکسن عبور کرده‌ایم و باید گروهی بزرگ از کم‌انگیزه‌ها را برای زدن واکسن ترغیب کنیم. بعد از بحران‌هایی که در تأمین واکسن داشتیم، حالا مسئله تأمین واکسن به میزان قابل توجهی در ایران حل شده و باید به سمت حل‌کردن سایر بحران‌هایی که ما را از رسیدن به زندگی طبیعی پیش از کووید منع می‌کند، حرکت کنیم که یکی از آنها ایجاد سیاست‌های تشویقی و تنبیهی در میان خیل بزرگی از مخالفان واکسن است.



زندگی سراسر پرماجرایی را در این رشته آغاز کرد. او نجبه بود و خاص. مهم‌تر اینکه خودش این‌گوهر را در درونش یافته بود و به آن بها می‌داد. دانشجوی محبوب و سر به زیر شهرستانی رفته‌رفته، نه یکبار، تبدیل به چهره‌ای نو در شعر شده بود. حالا دیگر مدت‌ها بود از آن اتاق به اتاق‌های دیگر در کوی دانشگاه خا طراه‌ای، چیزی باقی نمانده بود. او

سال‌ها از اتاقی به اتاقی دیگر کوچ کرد. از منزلی به منزل دیگر و این چنین منزلت ادبی‌اش هم گویا با هر کوچ بالاتر می‌رفت تا اینکه او دفتر دوم و سوم و کتاب‌های دیگرش را هم منتشر کرد. او حالا نه جویای نام، بلکه یک نام مطرح در شعر معاصر شده بود. برخی اشعار او در اینجا و آنجا خوانده می‌شد و گاه هم ترانه‌ای با صدای خواننده‌ای. او آرام‌آرام در میانه آن همه هیاهوی انقلاب و جنگ قد کشیده بود. در «حوزه اندیشه و هنر اسلامی» معروف بود که دو شاعر بلندتر از دیگران جلوه می‌کنند؛ «سیدحسن حسینی» و همین شاعر محبوب شهرستانی ساکن اتاق ۸۰۵. کسی که در اواخر دهه شصت و سیس دهه هفتاد از گمنامی بیرون آمده بود و در محافل ادبی از او به‌عنوان پدیده نوظهور شعر فارسی یاد می‌شد، پدیده‌ای که حتی رقباى او به او معترف بودند. او یک نابغه بود. نابغه‌ای که در اوج شکوفایی خیلی زود از میسان ما رفت. او با اینکه توانست در میان آن همه استعداد، در پایتخت جایی برای خود بیابد تا این چنین خود را تثبیت کند؛ اما تا پایان عمر، آن کابوس دربه‌دردی دوران دانشجویی رهايش نکرد. او با اینکه ازدواج کرد و از آن زندگی خانه‌به‌دوشی دانشجویی رهایی یافت؛ اما هرگز آن دوران را فراموش نکرد. ماجرای که از «اتاق ۸۰۵» آغاز شد؛ اما هیچ‌گاه در درونش پایان نیافت. شاید همین اضطراب، همین دغدغه، تلاش او را دوچندان کرد. اینکه بخواد جایی برای ماندن بیابد. او بی‌آنکه خود راه بداند به آن مامن رسیده بود. او به دل مخاطبان خود راه یافته بود. او به جایگاه اصلی خود رسیده بود. شعرا، او و دیگر از جابه‌جایی و دربه‌دردی در آن خبری نبود. او دیگر ساکن بی‌قراری اتاق ۸۰۵ نبود. او حالا شاعر پرآوازه‌ای بود که در همه دل‌های ادب‌دوست خانه داشت. شاعری که نه در اتاق‌های موقت خوابگاه‌های دانشجویی، بلکه در دل‌ها سکونت داشت. او «قصر امیرپور» بود. کسی که راز جادوی کلمات را فیمیده بود.

• یار سال‌های دور و نزدیک ساکن همان اتاق

اتفاق



**دولابین**: جان وو، کارگردان افسانه‌ای فیلم‌های کلاسیک اکتنی همچون «تغییر چهره»، پس از نزدیک به ۲۰ سال در حال بازگشت به هالیوود است. جان وو پس از ساخت یک تعداد فیلم در زادگاهش هنگ‌کنگ، کارگردانی فیلم اکتشن آمریکایی «شب خاموش» را بر عهده خواهد داشت. در این فیلم بوئل کینامان بازیگر «جوخه انتحار» نقش اصلی را بازی خواهد کرد.



**آسوشیتدپرس**: دیدار یک ساعت‌ونیمه پاپ فرانسیس دوم و جو بایدن، رئیس‌جمهور آمریکا، مورد توجه رسانه‌ها قرار گرفت. این دو، یک ساعت‌ونیم پشت درهای بسته مذاکره کردند و ۱۵ دقیقه هم مقابل دوربین عکاسان قرار گرفتند. پیش‌تر دیدار اوپاما و پاپ تنها ۳۰ دقیقه و ترامپ و پاپ ۱۵ دقیقه طول کشیده بود.



**چیان‌دلی**: در چین حکم اعدام برای یکی از معروف‌ترین پرونده‌های قضائی سال گذشته صادر شد. «تانگ لو» همسر سابق یک اینفلوئنسر تبتی بود که در جریان یکی از پخش زنده‌های اینستاگرامی، همسرش روی او بزنین ریخت و او را به آتش کشید. این زن ۳۰ساله که در فضای مجازی به اسم «لوما» شناخته می‌شد از شدت سوختگی جان باخت.



**دلی‌میل**: تک‌آهنگ «ادل» در هفته گذشته و پس از شش سال انتظار منتشر شد. این فاصله طولانی میان کارهای او موجب واکنش‌های فراوانی از سوی هوادارانش شد و او در پاسخ گفت: من برای همیشه این کار را انجام نخواهم داد. نمی‌خواهم تا ابد این کار را ادامه دهم. مردم هم نمی‌خواهند در ۹۵سالگی برایشان آهنگ بخوانم.



**بی‌بی‌سی**: کاخ بائینگهام اعلام کرد پزشکان به ملکه بریتانیا توصیه کرده‌اند زمان استراحت خود را تا دو هفته آینده ادامه دهد. الیزابت دوم که اکنون ۹۵ سال دارد، در زمان استراحت ملاقات رسمی نخواهد داشت. به گفته کاخ بائینگهام، وی در این مدت برخی وظایف سبک ازجمله دیدار با مخاطبان مجازی را انجام می‌دهد.